

تحلیل ماهیت اختلافات حاصله از قراردادهای حوزه نفت و گاز و الزامات داوری آنها

غزاله کبیرآبادی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۲

احمد محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۶

رضا سلطانی^۳عبدالنعیم شهریاری^۴

چکیده

صنعت نفت و گاز برای مدت طولانی در ترویج استفاده از الزام به داوری برای حل و فصل اختلافات این حوزه پیشرو بوده است. در قراردادهای نفت و گاز که اغلب دراز مدت، همراه با مبالغ هنگفت و کلان می باشد؛ در پی بروز اختلاف، طرفین آن به دنبال یافتن راه حلی فوری و کارآمد برای حل و فصل اختلافات تجاری خویش اند. داوری همراه ویژگی هایی نظیر تخصص و آشنایی با حقوق نفت و گاز، توانایی درک مفاهیم فنی مربوط به این صنعت، فرآیند سریع با هزینه پایین می تواند گزینه خوبی فراروی طرفین باشد؛ اما در مرحله اول، اینکه ماهیت قراردادهای این حیطه علی الخصوص قراردادهای گاز چیست و جنس اختلافات حاصله ما بین طرفین کدام است و چه موضوعاتی در داوری این عقود مطرح می گردد؛ نیازمند بررسی و تحلیل است که مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی در صدد شناسایی و تحلیل این موارد خواهد بود.

کلمات کلیدی: حقوق نفت، داوری، قرارداد نفت و گاز، عملیات بالادستی، عملیات پایین دستی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Ghazaleh.kabirabadi@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

ahmadmohamadi598@gmail.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

reza.soltani156@gmail.com

^۴ استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

shahriari137@gmail.com

امروزه صنعت نفت و گاز یکی از بزرگترین صنایع با گستره جهانی می باشد. دست اندرکاران این صنعت در جستجوی فرصت های سرمایه گذاری در نقاطی از جهان که منابع نفت و گاز وجود دارد، می باشند؛ از این رو قراردادهای این حیطه معمولاً بین کمپانی ها، تراست ها و دولت ها از کشورهای مختلف با نظام های حقوقی متفاوت در خصوص فعالیت هایی نظیر اکتشاف و بهره برداری و توسعه میادین نفت و گاز، پروژه های ساخت، تأمین انرژی و بازاریابی منعقد می شود که به همان اندازه که متنوع هستند، می توانند منجر به تعداد زیادی از دعاوی نیز شوند و از آنجا که این دعاوی معمولاً متضمن عناصر فنی و تکنیکی هستند و قضات دادگاه ها معمولاً از آنها سر رشته ای ندارند، بایستی به افرادی ارجاع شوند که با ابعاد فنی و مسائل موجود در این حوزه آشنایی کامل داشته باشند و بتوانند به خوبی این دعاوی را حل و فصل نمایند. یکی از این دسته افراد داوران هستند.

از آنجا که عملیات نفتی به سه گروه عمده تقسیم می شوند: عملیات بالادستی و عملیات پایین دستی و میان دستی (در بیشتر کتب دو قسم اول بیان شده و ذکری از عملیات میان دستی نیامده است، اما برخی دسته سوم را تحت عنوان عملیات میان دستی به این دو مورد افزوده اند که بخشی از عملیات پایین دستی بوده و مربوط به انتقال نفت و گاز با فرایند تبدیل برای مقاصد انتقال است (Macinim 2011, p 2))، در این تحقیق نیز در سه قسمت مهمترین قراردادهای این حوزه ها بررسی خواهد شد و جنس اختلافات ناشی از این عقود و داوری آنها مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. سپس الزامات و خصوصیات لازمی که در داوری در این حیطه باید داشته باشد، بیان خواهد شد.

۱- اقسام قراردادهای نفت و گاز و محدوده داوری آنها

با توجه به گسترش داوری در حل اختلافات نفت و گاز مسئله ای که مطرح می شود این است که اولاً قراردادهای مهم حوزه نفت و گاز چیست و ثانياً اختلافات قابل ارائه در نهاد داوری در این حوزه چیست که در ادامه به اهم این موارد اشاره خواهیم نمود.

۱-۱- قراردادهای نفت و گاز در حوزه عملیات بالادستی

یکی از حوزه های اختلافات نفت و گاز، اختلافات در عملیات بالادستی^۱ است؛ این عملیات به فعالیت های متنوعی اطلاق می گردد که منجر به تولید نفت و گاز می شود. این فعالیت ها شامل انجام عملیات اکتشافی، توسعه میدان از طریق حفر چاه، و ارزیابی، توسعه، بهره برداری، نصب تجهیزات سطح الارضی، و نهایتاً تولید است. فعالیت های بالادستی به این جهت که از اکتشاف شروع شده و نهایتاً به تولید منجر می گردد، به "اکتشاف و تولید" معروف شده اند. اما این فعالیت به سه دسته اصلی تقسیم می شوند: اکتشاف، توسعه و تولید. اکتشاف به طور عامل شامل "ارزیابی" و "توصیف" هم می شود. توسعه نیز شامل "بهبود بازیافت نفت" و "افزایش بازیافت نفت" می گردد (شیروی، ۱۳۹۱، ص ۶).

یکی از مهمترین قراردادهای این حوزه مشارکت در تولید است؛ در این نوع عقود که ر حال حاضر کاربرد زیادی در سطح جهان دارند، شرکت عامل، بر کلیه عملیات اکتشاف، بهره برداری، فرآوری و بازاریابی نفت و گاز تولیدی از مخازن حاکمیت کامل دارد و در مقابل، بخشی از تولید را به خود اختصاص می دهد. از سوی دیگر پیمانکار موظف به تأمین مالی پروژه هاست، البته ممکن است طرف دولتی نیز در تأمین هزینه ها مشارکت کند، اما معمولاً تأمین هزینه نیز با پیمانکار است، در مقابل تمام سهمی که در این قرارداد عاید طرف پیمانکار می شود عبارت است از «نفت هزینه» و «نفت سود». نفت هزینه عبارت است از درصدی از نفت تولیدی که بابت جبران هزینه های قابل جبران به پیمانکار تعلق می گیرد. در بسیاری از کشورهای تولید کننده، باقیمانده بعد از کسر هزینه های مالیات بر درآمد، بهره مالکانه و نفت هزینه، مابین پیمانکار و صاحب مخزن تقسیم می شود؛ این میزان از نفت را نفت سود می نامند (امانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

قسمت دیگر قراردادهای خدمت است. بر اساس قراردادهای خدماتی، شرکت بین المللی نفت عملیات اکتشاف یا خدمات توسعه را برای کشور میزبان در یک محدوده خاص و با حق الزحمه ای مشخص انجام می دهد و معمولاً شرکت بین المللی نفت (پیمانکار) هیچ نوع حق قانونی بر نفت و گاز درجا و تولیدی ندارد، مگر قراردادی که دولت کارمزد وی را به صورت کالایی نفت یا گاز پرداخت کند یا امتیاز ویژه و ترجیحی خرید نفت از دولت میزبان به وی اعطا شود. براساس ریسکی که پیمانکار در این قراردادها به عهده می گیرد نیز این عقود به دو دسته بدون ریسک و باریسک طبقه بندی می شوند. موافقت نامه های خدماتی بدون ریسک در کشورهایی از قبیل ایران،

¹ -Upstream Operations.

عربستان سعودی، فیلیپین و کویت نیز استفاده می‌شود، و البته بسیار نادر است (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷). نوع رایج آن همان قراردادهای همراه با تقبل ریسک از جانب پیمانکار است.

غیر از قراردادهای خدماتی، قراردادهای خدمات فنی (TSA) نیز وجود دارند. در واقع، این نوع قرارداد که از جمله شیوه‌های تجارت متقابل است که مطابق با آن، سرمایه‌گذار ارقام نقد سرمایه شامل وجه نقد و ارقام غیر نقد آن مانند ماشین‌آلات، تجهیزات، دانش فنی، خدمت تخصصی و فناوری را در ایجاد، توسعه، بازسازی و اصلاح یک واحد تولیدی به کار می‌گیرد. استهلاک هزینه‌های سرمایه‌ای و غیر سرمایه‌ای سرمایه‌گذار و سود سرمایه‌گذاری از محل محصولات واحد تولیدی انجام می‌شود (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳، ص ۶۶۳). در اقسام قرارداد خدمات نیز اصولاً داوری در خصوص اختلافات آتی آن پیش‌بینی می‌گردد و عمده اختلافات نیز بر سر مسائل مالی و نقض تعهدات پیمانکار در طول قرارداد است؛ که در بیشتر این قسم عقود نیز آمده که اختلافاتی که در ماهیت، قراردادی هستند باید با توافق فیصله یابد، اما، اگر توافق امکان پذیر نبود طبق مفاد قرارداد به داوری ارجاع شود. حل و فصل اختلافات در تمامی قراردادهای نیز از روش مذاکره و سپس داوری استفاده می‌کند. تقریباً در اکثر قراردادهای (همراه با استثنائاتی) قواعد داوری اتاق بازرگانی پاریس به عنوان قواعد داوری تعیین می‌شود؛ چراکه هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نمی‌شود میلیاردها دلار در یک پروژه نفتی سرمایه‌گذاری کند و اختلافات مربوط به آن را به دادگاه‌های داخلی کشور میزبان ارجاع دهد. به همین دلیل می‌توان گفت که کشورهای نفتی تا اندازه زیادی مجبور به پذیرش داوری به عنوان روش حل و فصل اختلاف در قراردادهای بالا دستی نفتی هستند (اصغریان، ۱۳۹۵، ص ۳۵۲). مورد دیگر اختلافات ناشی از قرارداد تبادل نفت و گاز است؛ با مبادله نفت و یا گاز، گاهی اوقات اختلاف در خصوص قیمت کالا، احتمال تقاضای بیشتر نسبت به محصولات در زمان‌های مختلف (به عنوان مثال، به دلیل تفاوت در توافقنامه فروش خود) و غیره می‌تواند عامل ایجاد اختلاف بین طرفین باشد که لزوم رجوع به داوری را ضروری می‌سازد. نوع دیگر اختلافات، حاصل از قراردادهای جوینت ونچر می‌باشد؛ این قراردادهای مشارکت سرمایه‌گذاری که اساساً در صنعت نفت متولد شده‌اند، به معنای ائتلاف اشخاص حقیقی یا حقوقی برای یک فعالیت مشترک جهت تولید محصولی است که میان مشارکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته می‌شود. قسم اول این قراردادهای به نام جوینت ونچر قراردادی عمدتاً بین شرکت‌های خصوصی نفت و نوع شرکتی در بین دولتها یا شرکت‌های دولتی با شرکت‌های بین‌المللی منعقد می‌شود و شرکا از بین

خود شریکی را به عنوان عامل انتخاب که بازوی اجرایی مصوبات کمیته محسوی می گردد (آریان کیا، ۱۳۸۸، ص ۲۰۳).

در قسم دیگر جوینت ونچر به نام جوینت ونچر شرکتی، اجرای عملیات نفتی توسط شرکت مشترک (که معمولاً قالب شرکتهای سهامی خاص یا با مسئولیت محدود را دارد) بوده که شرکا نیز برحسب مشارکت خود، در سود و زیان عملیات سهیم هستند و محصول استخراجی سر چاه به مالکیت آنان درآمده، بین آنها قابل تقسیم است (باستانی، ۱۳۹۰، ص ۵۷). اما یکی از مواردی که در تنظیم شرط داوری در قراردادهای سرمایه گذاری به ویژه جوینت ونچر یا کنسرسیوم باید مورد توجه قرار گیرد، بحث داوری های چندطرفی است؛ داوری چندطرفی ناظر به فرضی است که یک قرارداد چندین طرف دارد و بین طرفین اختلاف حادث می شود؛ در این نوع قراردادها اگرچه ذکر یک شرط داوری کفایت می کند، ولی این شرط داوری باید نحوه انتخاب داورها را تعیین کند.

یکی از مشکلات موجود در این خصوص، زمانی بروز می کند که خواننده یا خواهان یا هر دوی آنها که مرکب از اشخاص متعدد هستند در داوری های سه نفره، بر سر داور اختصاصی خود به توافق نرسند؛ تا پیش از سال ۱۹۹۸ رویه دیوان های داوری از جمله «ICC» بدین منوال بود که در صورت عدم توافق بر سر انتخاب داور اختصاصی از سوی اشخاص متعدد اعم از اینکه خواهان یا خواننده دعوی باشند، دیوان داوری صرفاً به جای این دسته اقدام به انتخاب داور می کرد و داور اختصاصی طرف دیگر به وسیله خود او انتخاب می شد؛ سرانجام رویه دیوان داوری ICC، با ابطال رأی داوری صادره در دعوی «Siemens AG v. Dutco» به وسیله دادگاه پاریس تغییر کرد؛ قواعد جدید داوری ICC (اصلاحی ۱۹۹۸ و ۲۰۱۲) و نیز قواعد دیوان داوری بین المللی لندن (اصلاحی سال ۱۹۹۸) در اصلاحات خود به منظور برقرار تساوی بین طرفین اختلاف، مقرر کرده اند؛ در داوری های چند طرفی در شرایطی که داوری به هیأت داوری سه نفره ارجاع می شود، هر یک از طرفین دعوی که متعدد هستند (اعم از خواننده یا خواهان) باید مجتمعاً یک داور مشترک انتخاب کنند؛ در صورت عدم انتخاب داور مشترک از سوی طرف متعدد و یا عدم اتفاق نظر بین تمام طرف های اختلاف [اعم از خواهان و خواننده] در مورد نحوه تشکیل محکمه داوری، دیوان داوری، همه اعضای محکمه داوری را تعیین و یک نفر را از بین ایشان به عنوان رئیس بر می گزیند...» (حاتمی، ۱۳۹۳، ص ۵۱۸).

لذا مطابق قواعد جدید داوری ICC، در صورت عدم اتفاق نظر بین یکی از طرفین اختلاف که از اشخاص متعدد تشکیل شده است، محکمه داوری افزون بر انتخاب داور این طرف، به منظور برقراری تساوی بین طرفین اختلاف، داور طرف دیگر را نیز انتخاب خواهد کرد، حتی اگر طرف دیگر داور اختصاصی خود را برگزیده باشد. به نظر می‌رسد عقد مزارعه، در ایالات متحده آمریکا، که در آن امکان استفاده از منابع نفتی در زمین‌های شخصی برای مالک امکان پذیر است، با تغییراتی که مقتضای نفت است، برای انجام عملیات نفتی، انتخاب شده باشد و به جای بحث زراعت و کشاورزی، موضوع انجام عملیات نفتی و استخراج نفت، موضوع قرارداد را تشکیل دهد. لذا می‌توان گفت قرارداد farmout، عقدی است که به موجب آن، احد طرفین، زمینی را به طرف دیگر می‌دهد که در آن، عملیات حفاری و توسعه را انجام داده و حاصل را پس از کسر هزینه‌ها تقسیم کنند. در قرارداد farmout، حصه هر یک از مزارع و عامل، به نحو اشاعه، از قبیل ربع یا ثلث یا نصف و غیره معین می‌گردد. در قرارداد farmout، پس از استخراج نفت، ابتدا تمام هزینه‌های توسعه و هزینه‌های عملیات بهره برداری برداشته شده، و از روزی که تمام هزینه‌های اکتشاف و هزینه‌های بهره برداری، از زمان هزینه کرد تا آن روز، تصفیه شد، نفت بین طرفین، به نسبتی که تعیین شده است، تقسیم می‌شود. مقررات داوری که در مقایسه با گذشته به طور فزاینده ای در این نوع عقود درج می‌گردد؛ بیشتر در خصوص اختلافاتی همچون چگونگی اندازه گیری پرداخت، قیمت‌ها و هزینه‌ها و یا منازعات ناشی از ادعای آسیب به ملک و غیره اعمال می‌شود (Gaitis, 2016, p7). در صورت وجود مخزن یا مخازن نفت و گاز در تقاطع مرز دو کشور یا قطعات متعلق به دو یا بیش از دو شخص برای بهره برداری بهینه و کم هزینه تر از مخزن مشترک، دو دولت یا اشخاص درگیر موافقتنامه آحادسازی یا یک کاسه سازی می‌کنند که براساس آن عملیات مشترک و هماهنگی برای اکتشاف و استخراج در یک مخزن نفت یا صورت می‌گیرد (کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰).

به عبارتی، قرارداد توسعه یکپارچه به قراردادی اطلاق می‌شود که به موجب آن دارندگان حق امتیاز یا پیمانکاران توافق می‌نمایند که مخزن واحدی را که در قلمرو امتیازنامه‌ها یا قراردادهای آن‌ها قرار دارد، به صورت مشترک و یکپارچه توسعه داده و از آن بهره برداری کنند (Bastida, 2007, p. 370). یکی از نکات مهم در این قرارداد، تعیین سهم هر کدام از طرفین در عواید حاصل از توسعه یکپارچه می‌باشد که معمولاً پر چالش بوده و از مباحث مهم داوری است. علاوه بر این، شرط داوری در این عقود نیز شامل اختلافاتی در خصوص زمان تولید، محاسبه منافع درآمد در

شرکت های مناطق جداگانه و آسیب فیزیکی به منطقه و غیره است. در قراردادهای حفاری و خدمات نیز اگرچه حقوق و وظایف پیمانکار و اپراتور حفاری به طور معمول در قراردادهای حفاری به خوبی تعریف شده است، اما این حقوق و وظایف بخش وسیعی از اختلافات ارجاع شده به داوری را تشکیل می دهد؛ علاوه بر این حوادث حین حفاری، خطر پیش روی خدمه، محیط زیست، و یا اختلافات در خصوص تجهیزات حفاری نیز اغلب در این قراردادها مورد مناقشه قرار می گیرد.

۲-۱ قراردادهای نفت و گاز در حوزه عملیات میان دستی

حوزه دیگر فعالیت داوران در قراردادهای نفت و گاز، فعالیت های میان دستی در حوزه نفت و گاز که در عمل همیشه در بخش عملیات پائین دستی قرار می گیرد که به معنای مرحله ای از فعالیت است که شرکت های گاز درگیر فعالیت هایی نظیر حمل و نقل، ذخیره سازی گاز، نفت خام و فرآورده های نفتی تصفیه شده، جمع آوری، حمل و نقل و حذف ناخالصی ها، تولید مایعات گاز طبیعی یا مایع سازی و غیره هستند؛ در واقع، عمده فعالیت های این حوزه، شامل حمل و نقل نفت خام و محصولات تصفیه شده بر روی زمین، استفاده از شبکه ای از لوله ها و پمپاژ است. اختلافات قابل ارجاع در عقود جمع آوری گاز بیشتر متمرکز بر روی مسائلی نظیر ظرفیت، قابلیت تحویل، تعهدات تولید، دریافت و تحویل مجدد و بسیاری از مسائل مربوط به آن است و از آنجا که جمع آوری گاز به معنای واقعی کلمه در اواسط جریان عملیات گاز و بین نقطه تولید و پایان رخ می دهد، داوری در این حیطه ممکن است تاثیراتی را بر روی اشخاص ثالث درگیر در عملیات بالا دستی و یا پایین دستی داشته باشد (Gaitis, 2016, p.5).

نوع دیگر عقود در این دسته، قرارداد و توافقنامه های مدیریت فراوردهای فراساحلی است که معمولاً به منظور تحویل تولیدات به یک خط لوله است. تولید و یا عملیات تولید در این قرارداد، به معنای استخراج، ذخیره، اندازه گیری و حمل و نقل نفت به نقاط ذخیره و یا بارگذاری و یا هر دو و انجام هر نوع عملیات اولیه و ثانویه، از جمله بازیافت، نگهداری، تعمیر و جایگزینی امکانات فعالیت های درگیر می باشد.

برخی از قراردادهای این حیطه نظیر قرارداد خدمات و پردازش در آب های عمیق، حاوی شرط داوری بسیار دقیق است که به حسابداری و یا مسائل فنی مربوط به قرارداد که می تواند در جریان جمع آوری نفت و گاز و تحویل بعدی به خط لوله زیردریایی ایجاد شود، مرتبط است (Gaitis, 2016, p7).

در قرارداد پردازش گاز نیز که با هدف جداسازی ناخالصی‌ها و آلاینده‌ها از گاز و پردازش گاز و جدای سازی مایعات طبیعی با ارزش مثل گاز طبیعی (NGL) صورت می‌گیرد بحث داوری مطرح می‌گردد.

مسائل مورد اختلاف در زمینه توافقنامه پردازش گاز عبارتند از (Gaitis, 2016, p7):

- مسائل مربوط به ساخت و ساز: معمولا برای اثبات علت این اختلافات نیز، نظریه کارشناس برای تجزیه و تحلیل علت اختلاف اخذ می‌گردد که در این صورت، داور باید تصمیم بگیرد که آیا شهادت متخصص را کنار بگذارد یا آن را بسنجید و میزان اعتبار آن را ارزیابی کند.

-تعلیق عملیات: اگر پردازشگر ادعا می‌کند ارزش افزوده گاز طبیعی گاز به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و هزینه گاز طبیعی برای پردازنده سودمند نیست و تولید بایستی تعلیق شود؛ ممکن است مسائلی موجب اختلاف در این حیظه گردد؛ از جمله اینکه آیا تعلیق تحت قرارداد مجاز است؟ اگر قرارداد به طور کامل متوقف شود چه کسی مسئول است؟

-فورس ماژور: در این حالت بررسی رویدادی که سبب توقف عملیات می‌شود و بررسی آن اهمیت دارد؛ گاهی اوقات مسائل ساخت و ساز و گاهی نیز صرفا بحث اقتصادی موضوع مطرح است.

-اختلاف بر سر سنجش و اندازه گیری: گاهی ممکن است تامین کننده ادعا کند که پردازنده غلط حجم گاز عرضه شده را نادرست اندازه گیری کرد و یا اینکه میزان و حجم گاز باقی مانده درست اندازه گیری نشده است. درستی یا نادرستی این ادعا نیز قابل بررسی در داوری است.

۳-۱ داوری قراردادهای نفت و گاز در حوزه عملیات پایین دستی

زمانی که نفت و گاز تولیدی به حد استاندارد برسد که امکان نقل و انتقال ایمن آن‌ها فراهم شود و بتوان آن‌ها را برای مصارف بعدی با صادرات عرضه نمود، فعالیت‌های بالادستی تمام شده و فعالیت‌های پایین دستی شروع شود (قادری، ۱۳۹۴، ص ۳۲).

قراردادهای تجارت نفت و گاز، به سه صورت، خرید و فروش نفت، خرید و فروش گاز و سوپا صورت می‌گیرد. در خرید و فروش نفت کل یا بخشی از نفت تولیدی از یک میدان در مدت معینی فروخته می‌شود. مثل «قراردادهای طولانی مدت فروش نفت» که به همراه قراردادهای اصلی بالادستی مثل قراردادهای خدمت و قراردادهای بیع متقابل منعقد می‌گردد که به موجب آن کارفرما و صاحب نفت توافق می‌کند بخشی از نفت تولیدی از میدان را به سرمایه گذاران طرف قرارداد یا اشخاصی که آن‌ها معرفی می‌کنند به فروش رساند. شرایط قراردادی خرید و فروش نفت

و خام در بازار نقدی معمولاً استاندارد شده است و از دو دسته شرایط خصوصی و عمومی تشکیل می‌گردد که معمولاً شرکت‌های نفتی از قبیل بی پی، شل، توتال و استت اویل شرایط عمومی خود را تهیه می‌کنند که تقریباً همه از محتوی مشابهی پیروی می‌کنند، شرکت ملی نفت ایران نیز شرایط عمومی خود را مورد استفاده قرار می‌دهد، «شرایط خصوصی» هر خرید و فروش نفت خام از طریق «سفارش خرید» یا «پیش فاکتور» و امثال آن مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد.

نوع دیگر قراردادهای این حوزه، روش «سواب» است که کالاهای مشابه که در محل‌های فیزیکی متفاوتی قرار دارند با یکدیگر معاوضه می‌شوند تا مخارج حمل و نقل کاهش پیدا کند و یا موانع حمل و نقل برطرف گردد که این نوع عقود جهت کاهش هزینه‌های حمل و نقل و در نتیجه توافق به تبادل و تعویض نفت صورت می‌گیرد (شیروی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶). از آنجاکه انتقال گاز طبیعی به راحتی از طریق کشتی یا تانکر امکان پذیر نیست؛ لذا انتقال گاز مستلزم کشیدن خط لوله بین مبدأ تا مقصد یا روش مایع سازی گاز است که از طریق تأسیسات آلان جی و یا سیان جی است. بر این اساس، گاز طبیعی را نمی‌شود مانند نفت خام آزادانه در بازار نقدی به فروش رساند. ویژگی گاز طبیعی باعث شده که فعالیت‌های بالادستی تولید گاز با پیدا کردن خریدار و انعقاد قرارداد خرید و فروش آن ارتباط نزدیکی داشته باشد. از سوی دیگر نقطه تحویل، مشخصات گاز، نقطه اندازه گیری گاز، و حداقل و حداکثر میزان گاز تحویلی از دیگر نکات مهم قراردادهای خرید و گاز می‌باشد.

در میان بخشهای مختلف حقوق انرژی، یکی از مهمترین مسائل قراردادهای فروش گاز که بنا به طبیعت موضوع و هدف قرارداد، به صورت طولانی مدت اند، وجود شرطی تحت این عنوان در این قراردادهاست که به عنوان تضمینی برای طرف دیگر برای ایفای تعهدات و به دلیل حجم بالا و وسیع تعهدات مالی پیش بینی شده است (Robert, 2004, p 34) که همین امر منشا بسیاری از اختلافات این در نوع قراردادهاست.

در حوزه پالایشگاهها و صنایع پتروشیمی نیز قراردادهایی جهت موضوعات مختلف منعقد می‌شود؛ یکی از این موارد؛ قراردادهای مهندسی، تامین کالا و ساخت است که پیمانکار موظف به اداره پروژه و تحویل آن در زمان و موقع مقرر همراه با طراحی بهینه، کنترل کیفی، تامین تجهیزات و ساخت می‌باشد (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۴۰۱).

ادعاهای پیمانکار:

• زمان اضافی و جبران خسارت اضافی به سبب تغییر کارفرما در محدوده کاری یا طراحی

- جبران خسارت اضافی برای ایجاد شتاب کار توسط کارفرما
- زمان اضافی و جبران خسارت اضافی برای تاخیر تحویل تجهیزات و محصولات توسط کارفرما

- خسارات ناشی از تاخیر کارفرما

ادعاهای کارفرما

- هزینه های تعمیر یا جایگزینی کارهای معیوب

- خسارات ناشی از کار معیوب

- ادعای مربوط به تضمین

- خسارات تاخیر تکمیل پروژه

به دلیل این قبیل ادعاها داوری EPC معمولاً مسائل حقوقی متعددی را در برمی گیرد که به دلیل رابطه دعاوی با کیفیت کار یا امور فنی، نظریه کارشناس تخصصی را نیز می طلبد و اغلب مبالغ هنگفتی به واسطه این دعاوی در معرض خطر هستند. البته در مقابل طرفین دعوا به دلایلی به داوری چنین اختلافاتی تمایل دارند؛ چراکه از یک طرف، پیچیدگی و جنبه های فنی یک اختلاف EPC اغلب فراتر از درک و تخصص قضات و هیئت ها است؛ حال آنکه طرفین می توانند داورانی را که تخصص خاصی در حوزه ساخت و ساز دارند انتخاب کنند؛ از طرف دیگر داوری انعطاف پذیری را برای حل اختلاف و رویه سریع تر و کارآمدتر را فراهم می سازد (Gaitis, 2016, p10).

قسم دیگر قراردادهای این حوزه که قرارداد تهیه و تحویل گاز می باشد؛ در قراردادهایی از این دست، گاز یک کالای متجانس و همگون است و فروشنده متعهد می شود که مقادیر مشخصی از آن را در یک دوره مشخص به خریدار تحویل دهد. از جمله مشخصه های این نوع قراردادها عدم اختصاص میدان گازی خاص است؛ در واقع، میدان گازی خاصی به خریدار اختصاص نمی یابد و فروشنده مختار است از هر میدان گازی که می خواهد گاز را به خریدار عرضه کند و میزان گازی هم که فروشنده به خریدار می دهد ثابت و پایدار

است و بستگی به خصیصه های میدان گازی خاص در تهیه گاز ندارد (علیخانی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۴). مدت قرارداد، نیز ثابت بودن و امکان فسخ قرارداد به دلیل اقتصادی نبودن قرارداد، وجود

ندارد. (Trimble, 1992, p133)

علاوه بر مزایای کلی داوری در این قراردادها، با اینکه این عقود نسبت به اختلاف EPC، از پیچیدگی کمتری برخوردار بوده اما با توجه به نیاز به دانش و تخصص ویژه در خصوص قیمت، کمیت و خاتمه آن داوری در این نوع عقد ها نیز شایع می باشد.

مسئله مهمتر اینکه این قراردادها حاوی شرطی هستند به نام شرط اصلاح قیمت، بدین معنی که برای جلوگیری از بازنگری مجدد قیمت ها به طور مرتب طرفین قرارداد بلند مدت معمولاً مکانیزمی را پیش بینی می کنند که اجازه می دهد قیمت ها به دنبال تحولات بازار تغییر یابد (Holland, 2012, p29)، اما دیدگاه طرفین ممکن است در مورد اصلاح قیمت ها متفاوت است و گاهی سؤالاتی از این دست مطرح می شود که آیا اساساً شرایط اقتصادی تغییر کرده است و یا خیر و همین موارد عامل ایجاد اختلاف بین طرفین می شود. لذا یکی از مکانیزم هایی برای جلوگیری از چنین مشکلاتی، انتخاب داورانی آشنا به وضعیت بازار عرضه گاز، قیمت آن و است؛ البته گاهی طرفین نیز در امر تعدیل و اصلاح این قیمت ها و حل اختلافات توسط داوران نیز نقش دارند؛ به گونه ای که گاهی می توانند داوران را مجبور به مشورت با موسسات مورد توافق خاص در خصوص قیمت بازار کنند.

یکی دیگر از گزینه های محدود کردن اختیارات داوران در این زمینه اصطلاح داوری بیسبالی است. در این صورت، هر طرف آخرین پیشنهاد را به داور ارائه می کند و داوران نیز بدون تجدیدنظر و تغییری در نظر خویش متعهد هستند یکی از این نظرات را به عنوان رای نهایی و الزامی انتخاب می کند. این رویه طرفین را نیز مجبور به ارائه آمارهایی به داوران جهت انتخاب نظر مطلوب تر می نمایند که همین تبادل ارقام اغلب روند داوری را تسهیل می کند (Monhait, 2013, p106) نوع دیگری از این داوری "داوری بیسبال شب"، جایی که داور از پیشنهادها بی اطلاع است و صرفاً بعد از لازم الاجرا شدن از آن مطلع می گردد؛ در هر حال هر نوع از این محدودیتها به طرفین قرارداد اطمینان می دهد که بر روند بازنگری مجدد کنترل داشته و می تواند جایگزین مناسبی برای مصالحه و داوری باشد (Power, 2016, p15).

۲- خصوصیات و الزامات داوری دعاوی نفت و گاز

تمامی دعاوی و اختلافات نفتی را براساس آنچه در مطالب فوق الذکر بیان شد، چه مالی، غیرمالی، دعاوی ناشی از نقض تعهد، جبران خسارت و غیره را می توان بر چند دسته تقسیم نمود؛ دسته ای از دعاوی، دعاوی دولت علیه دولت است؛ این قسم دعاوی به خصوص در میادین مشترک و در پی اجرای حقوق حاکمیتی و مالکیتی دولت ها در میادین مشترک شکل می گیرد.

دسته دیگر دعاوی شرکت نفتی بین‌المللی علیه دولت است؛ که معمولاً در پی سلب مالکیت و ملی‌سازی دولت سرمایه‌پذیر رخ می‌دهد. دعوی شرکت نفتی بین‌المللی علیه شرکت نفتی بین‌المللی نیز قسم سوم این دعاوی هستند که شرکت‌های مزبور بر اساس قراردادهای مختلفی همچون قراردادهای اقدام مشترک JOA یا قراردادهای یکی‌سازی به مشارکت با یکدیگر می‌پردازند و دچار اختلاف می‌گردند. دسته‌ی دیگر قراردادهایی است که بین پیمانکاران اصلی و پیمانکاران فرعی منعقد می‌شود و می‌تواند باعث بروز اختلاف گردد. در هر حال در همه حالات، دعاوی نفتی به دلیل خصوصیات ویژه‌ای که در هر کدام از عقود به آن اشاره شد از سایر دعاوی بین‌المللی متمایز هستند. به همین جهت روش حل و فصل این دعاوی باید تأمین‌کننده شرایط و ملزومات خاصی باشد. اولین لازمه این روش تضمین حل و فصل نهایی دعوی و رسیدن به تصمیم نهایی و الزام آور است، دومین لازمه در این خصوص قابلیت اجرا آرا است و در واقع نتیجه حل و فصل دعوا باید به طور گسترده و در ابعاد بین‌المللی قابلیت اجرا داشته باشد. ویژگی دیگر روش مناسب در ارتباط با حفظ روابط تجاری طرفین است. طرفین قراردادهای نفتی معمولاً مقدار قابل توجهی از زمان و سرمایه خود را صرف ایجاد روابط تجاری و اقتصادی با یکدیگر می‌کنند. بنابراین آنها نمی‌خواهند این روابط را به سادگی از دست دهند. بنابراین روش مناسب حل و فصل دعاوی نفتی باید بتواند تا حد امکان نسبت به حفاظت از روابط طولانی مدت طرفین تلاش کرده و از تخریب آن جلوگیری کند. حفظ این روابط بستگی به ماهیت روش حل و فصل دعاوی دارد. در واقع این روش باید ماهیتی مبتنی بر رقابت داشته باشد. هر گونه تسویه و حل و فصل دعوی باید با اراده و خواست طرفین صورت گیرد تا دو طرف تا حد ممکن از نتیجه دعوی راضی بوده و روابطشان حفظ گردد. نهایتاً این روش باید دارای کارایی لازم در دو بعد زمان و هزینه باشد. سرمایه‌گذاران این بخش معمولاً نگران کارایی روش حل و فصل دعاوی خود هستند زیرا آنها انتظار دارند دعاوی با سرعت زیاد و هزینه کم حل و فصل شود تا خساراتشان به حداقل برسد، بنابراین روش مناسب تسویه دعاوی باید این نگرانی را از بین برد.

جدای از این مباحث کلی، با اینکه داوری در قراردادی خاص آن قرارداد بوده و شرایط و ویژگی‌های هر قراردادی آن را از دیگر قراردادها متمایز می‌کند؛ اما یکی از شروطی که در بیشتر قراردادهای گفته شده وجود دارد شرطی است که طرفین را به مذاکره و سازش قبل داوری تشویق می‌کند. مقرر حل و فصل چند جانبه اختلاف که معمولاً در تجاری یافت می‌شود، قبل از شروع یک ادعای رسمی و به دنبال اجتناب از زمان و هزینه دادرسی یا داوری پیش‌بینی شده که البته در خصوص میزان اعتبار آن در رویه قضایی اختلاف نظراتی مطرح شده است، اما در جایی که داوران در خصوص موضوع مورد نظر در قراردادهای نفت و گاز تخصص لازم را ندارند، وجود چنین شرطی برای مذاکره و خاتمه دادن به اختلافات بین طرفین مفید فایده خواهد بود.

مسئله دگیر بحث مالکیت نفت در قراردادهای مشارکت پیش گفته شده است، رویه جاری انواع قراردادهای نفتی بر این قرار گرفته است که تکلیف این حق باید در قرارداد مشخص گردد. توضیح آنکه در قراردادهایی که امروزه در زمینه بهره برداری از نفت منعقد میگردد، طرفین تکلیف مالکیت نفت هنگامیکه درون مخزن است و زمانی که استخراج میگردد، را در خود قرارداد تعیین مینمایند و مترصد اعمال اصول حقوقی توسط دیوانهای داوری نمی مانند.

گاهی در قراردادهای نفت و گاز شرطی تحت عنوان شرط ثبات مقر می گردد؛ بدین معنی که کشور میزبان در سرمایه گذاری و یا دولت صاحب نفت، تعهد می نماید که مفاد قرارداد را با وضع قانون یا هر وسیله دیگری، بدون رضایت طرف دیگر، تغییر دهد. این نوع شروط که معمولاً در قراردادهای درازمدت و بالأخص در بخش منابع طبیعی در قرارداد سرمایه گذاری درج می شود تا قبل از پایان عمر قرارداد دولت را از تصویب قوانین و مقررات جدید که تعهدات خویش را در قرارداد دستخوش تغییر قرار می دهد، محروم می کند (Mann, 2011, p6).

حال با وجود شرط ثبات در عقود نفتی و گازی نیز ممکن است دولت طرف قرارداد، شروط تثبیت کننده قرارداد را که تأثیرگذار بر منافع سرمایه گذار خارجی میباشد؛ با تصویب قوانین یا آئین نامه های جدید نقض نماید که باز بحث داوری آن مطرح می گردد. لذا از مباحث مهم این حوزه، بحث سلب مالکیت و ملی کردن قرارداد و به ویژه تعهدات و مسئولیت های قراردادی طرفین و دیگری ضابطه غرامت قابل پرداخت در صورت ملی کردن یا تخلف طرف دولتی از قرارداد می باشد.

چنانچه قرارداد تابع قانون ملی گردد و متضمن ماده یا موادی مبتنی بر شرط ثبات نباشد، تغییر یا فسخ قرارداد با سهولت بیشتری امکانپذیر است و در صورت سلب مالکیت از حقوق قراردادی و در ازای پرداخت غرامت مسئولیتی متوجه دولت نخواهد بود.

اما در حالتی که حاکمیت حقوق بین الملل در قرارداد محقق گردد و دولت نیز به این امر رضایت داده و قرارداد نیز متضمن شرط ثبات باشد، چنانچه دولت اقدام به فسخ قرارداد و سلب مالکیت از حقوق قراردادی نماید و اختلاف به داوری ارجاع شود، با توجه به دیدگاههای مختلف در این زمینه ممکن است به دلایل تخلف از مفاد قرارداد و نقض شرط ثبات مندرج در آن و در نتیجه نقض تعهدات متقابل مجبور به پرداخت غرامت سنگینتر گردد؛ حتی گاهی در صورتی که قرارداد فاقد ارجاع صریحی به قانون ملی باشد، وجود شرط ثبات دلیلی بر بین المللی شدن قرارداد تلقی شده و فسخ چنین قراردادی دارای همان آثار و تبعات ناشی از فسخ قراردادهای تابع حقوق بین الملل است (رستگار، ۱۳۹۶، ص ۹۴).

در هر حال در صورتی که با وجود این شرط دولت میزبان سرمایه‌گذاری‌های خارجی اقداماتی جهت تغییر قوانین خود برخلاف تعهدات خویش انجام دهد، جبران خسارت مالی مناسب مورد توجه دیوان‌های داوری حل اختلاف مد نظر قرار گرفته است؛ چراکه این امر یکی از اصول حقوقی شناخته‌شده‌ی سرمایه‌گذاری خارجی در این حوزه است که مورد شناسایی قرار گرفته است (شمسایی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴).

لذا مسئله قابل مطرح در داوری، در این حالت، غرامت در قبال سلب مالکیت و میزان آن است که مهمترین رای در این خصوص کارخانه کوزوف است که اصل جبران خسارت را اعاده وضع به حالت سابق مطرح نموده است. البته اکنون این دیدگاه تعدیل شده است و گاهی صحبت از غرامت کامل و یا ناکامل می‌شود. به عنوان مثال بی پی نیز از معدود رویه‌های داوری است که حکم به اعاده وضع داده. منتهی چون اجرای آن را خلاف حاکمیت دولت دانسته به غرامت معادل اعاده وضع رای داد. (غرامت کامل). البته معمولاً در سلب حقوق قراردادی رویه داوری به دنبال استفاده از معیار قیمت عادلانه بازار است (Sornarajah, 1999, p430).

در آخر مسئله مهم تر در تمامی قراردادهای فوق، راجع به بقای شرط داوری پس از خاتمه قرارداد است؛ حتی بقای قانون حاکم نیز در قرارداد نیاز به تصریح دارد؛ چراکه محکمه داوری باید بر مبنای قانون حاکم بر قرارداد به اختلافات ناشی از قرارداد رسیدگی کند؛ از این رو ضروری است مقررات مربوط به شرط «قانون حاکم» در این قرارداد به گونه ای تنظیم شود که افزون بر «شرط داوری» شرط مزبور نیز پس از خاتمه قرارداد به قوت خود باقی بماند و مدت زمان اعتبار هر دو شرط مورد اشاره نیز، در قرارداد مشخص شود.

درج محدودیت زمانی در ارتباط با شروط مزبور سبب می‌شود ارجاع اختلافات به داوری و یا حکومت قانون مورد توافق طرفین بر قرارداد، در همان مدت، معتبر باشد و مسئولیت طرفین به موجب شروط مزبور، از حیث زمانی نامحدود نباشد؛ به عنوان مثال ممکن است ۵ سال پس از خاتمه قرارداد، بیمانکار با توسل به شرط داوری مزبور، اقدام به اقامه دعوی علیه شرکت ملی نفت کرده و خسارت‌هایی را که حین اجرای قرارداد متحمل شده است، مطالبه کند.

برنامه ریزی برای اختلافات ناشی از توافقنامه بین المللی نفت و گاز امری ضروری به نظر می رسد، چراکه اگر این امر به درستی مدیریت نشود، پایداری اقتصادی بین طرفین را تضعیف می کند؛ پیش بینی شرط داوری راه حلی موثر در جهت تلاش برای حل مسالمت آمیز اختلافات و ادامه همکاری بین طرفین قراردادهای نفت و گاز است؛ اما با توجه به پیچیدگی های هر قسم از قراردادهای نفت گاز لازم است که تمامی جنبه های داوری موضوع، حیطه رسیدگی، قانون حاکم، بقای قانون حاکم و شرط داوری در این قراردادها و در خصوص مسائل مالی، شرط اصلاح قیمت و غیره مورد توجه قرار گیرد و به صرف آوردن شرط داوری در عقود اکتفا نگردد.

مانند همیشه در گذشته، تغییرات در تکنولوژی و سرمایه گذاری های تجاری بین المللی همیشه به تغییر در نحوه عملکرد و به تبع آن تغییر در عملکرد داوری بین المللی منجر می شود. شرکت های ملی نفت، شرکت های بین المللی نفت و دیگر شرکت های خصوصی بدون شک همچنان به عنوان بیشترین تعداد طرفین حاکم در داوری بین المللی ادامه خواهند داد، زیرا اکثر آنها در تجارت بین المللی و سرمایه گذاری مشغول به کار هستند. این مقاله متوجه شده است که افزایش سرمایه گذاری های مستقیم خارجی منجر به افزایش پرونده های داوری میان دولت های میزبان و سرمایه گذاران خارجی شده است و این در تعداد فزاینده ای از پرونده های داوری مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری نشان داده شده است. همچنین مشاهده شده است که پرونده های جدیدی وجود دارد که قراردادهایشان براساس قوانین داوری نیست اما از طریق معاهدات سرمایه گذاری دو جانبه (BITS) که از آن طریق دولت های میزبان می تواند بطور یک جانبه به داوری تن دهد.

در این مقاله دریافتند که بر نقش داوری بین المللی نمی توان بیش از حد تاکید کرد. داوری بین المللی برخی پیش بینی ها را در معاملات تجارت بین المللی و درجه انصاف و ثبات را به ارمغان آورده است. این بی طرفی و انعطاف پذیری را به وجود آورده است که برای بازرگانان مرد وزن در سرتاسر جهان بسیار مهم است. به خصوص در صنعت نفت و گاز سرمایه گذاران حتی در کشورهایی که ناپایدار هستند انجام می شود. هرچند که، از تجزیه و تحلیل می توان مشاهده کرد که داوری بین المللی کمبودهای از جمله هزینه داوری دارد. (هزینه ها و مخارج داوران)، محدودیت داوران و مشکلات در جمع آوری چند شرکت با یکدیگر، اجرای قانون داوری در میان سایرین. باوجود تمام این کمبودها، داوری بین المللی هنوز راه حل عاقلانه ای در حل و فصل اختلاف در مقایسه با دیگر مکانیزم های شناخته شده و علمی است. در نتیجه این مقاله افزایش اختلافات در سرمایه گذاری آینده را پیش بینی می کند. این احتمال توسط طیف گسترده ای از پذیرش پیمان منشور انرژی و سیستم های داوری مرتبط با آن تأیید شده است که منجر به تعدادی پرونده شد. چین که تا

کنون استفاده از داوری را در BIT خود محدود کرده است ، اکنون نگاهی دوباره به BIT با آلمان و هلند کرده است و درحال حاضر در موضوعات راجع به سلب مالکیت امکان داوری دارد. تمامی این پیشرفت‌ها ی جدید در نتیجه اعتماد و اطمینان موسساتی است که برای داوری بین المللی توسعه یافته اند.

هر توصیه جدی تحولات احتمالی آینده از طریق ارزیابی پیشرفت های عطف به ماسبق کننده گذشته باید شروع شود. باید یک تغییر الگویی ایجاد شود که به موجب آن شرکت های انرژی بین المللی NOCs، IOCs، HGs و سایر ذینفعان مربوط به بخش انرژی شروع به ترویج و تشویق کنند. برای مثال ونزوئلا از طریق انجام قانون اساسی داوری بین المللی به عنوان یک سازو کار حل اختلاف جایگزین به رسمیت شناخته است.

دولت های میزبان و شرکت های ملی نفت آنها که تمامی معاهدات مهم و کنوانسیون ها را امضاء نکرده اند باید تلاش کنند که اجرای داوری را تأیید و امضاء کنند. برای اینکه داوری رشد کند بخصوص در جهان در حال توسعه ، ظرفیت سازی کلیه ذینفعان لازم باید تقویت شود تا به آنها درک بهتری از فواید داوری بین المللی به عنوان یک راه حل جایگزین مشاجره بدهد.

این مقاله همچنین پیشنهاد می کند که برای توسعه نگرش خود به سوی داوری ، باید یک حرکت جسورانه انجام دهیم که شامل دوره های آموزشی داوری در برنامه تحصیلی برنامه آموزشی حقوقی می شود . بنابراین آموزش علمی دانشجویان تازه وارد حقوق و شبیه آن با اصول کلی آموزشهای بین المللی وقراردادها وکد عمومی روشهای جاری بین المللی آشنا خواهد شد. این دامنه دانش آنها راو تصمیم گیری در مورد اینکه آیا باید داوری کنند یا یک اختلاف را دادخواهی کنند گسترش خواهد داد.

منابع

- ۱- آریان کیا، رضا، شروط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بینالمللی نفت و گاز، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۱، سال ۲۶، ۱۳۸۸.
- ۲- اصغریان، مجتبی، قراردادهای بین المللی نفت و گاز، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۳- امانی، مسعود، حقوق قراردادهای بین المللی نفت، انتشارات امام صادق، ۱۳۸۹.
- ۴- امین زاده، الهام، عبدی، صادق، بررسی انواع ساز و کارهای تامین مالی پروژه های صنعت انرژی با تاکید بر مشکلات ساختاری قراردادهای EPCF، ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۰۹، ۱۳۹۲.
- ۵- ایرانپور، فرهاد، مبانی عمومی قراردادهای نفتی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳، ۱۳۸۶.
- ۶- باستانی، علیرضا، آثار اقتصادی و بسترهای قانونی برای تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک (جوینت ونچر)، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۹۰.
- ۷- توکلی، محمد، آئینه نگینی ولی الله، بهرامی، عادل، بررسی و تجزیه و تحلیل نظام مالی قراردادهای مشارکت در تولید، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- ۸- حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، انتشارات تیسرا، ۱۳۹۳.
- ۹- حاجیان، محمدمهدی، موسوی، میترا، مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی شرط تعهد به دریافت در قراردادهای فروش و انتقال گاز، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۶، ۱۳۹۵.
- ۱۰- رستگار، عباس، بابایی، داریوش، تبیین شرط ثبات در قراردادهای نفتی، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۹۶.
- ۱۱- شمسایی، محمد، شرط ثبات در قراردادهای دولتی، مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۸، دوره ۵، ۱۳۹۶.
- ۱۲- شیروی، عبدالحسین، امین مجد، فاطمه، سرمایه گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت و گاز، مجله علمی - پژوهشی حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- ۱۳- شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین الملل، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.

- ۱۴- شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- ۱۵- شیروی، عبدالحسین، قراردادهای بی اوتی، تنظیم، ساختار و قوانین حاکم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
- ۱۶- علیخانی، محمد، بررسی وضعیت حقوقی مبیع و ثمن در قراردادهای بین المللی فروش گاز، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۰، سال ۲۶، ۱۳۸۸.
- ۱۷- قادری، عبدالواحد؛ محمدی، علی، شریف آرا، احسان، قادری، اوین، بررسی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات کتاب آوا، ۱۳۹۴.
- ۱۸- کاشانی، جواد، وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز واقع در مرز بین کشورها، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۹، سال ۲۵، ۱۳۸۷.
- ۱۹- کاظمی نجف‌آبادی، عباس، آشنایی با قراردادهای نفتی، انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۲۰- محمدی، سام، دیگران، بررسی قواعد اختصاصی قراردادهای بالذستی نفت با تاکید بر قرارداد جدید نفتی موسوم به IPC، دو فصلنامه حقوق اداری، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۴.
- ۲۱- محمودی، حسن و همکاران، ارزیابی و مقایسه قراردادهای بیع متقابل و طرح و ساخت با شرط تامین مالی EPCF، هفتمین کنگره ملی مهندسی عمران، دانشکده مهندسی شهید نیکبخت، زاهدان، ۱۳۹۲.
- 23- Crommelin, M. The Mining and Petroleum in Australia", *J. Energy Nat. Resources & Envntl vtl L.* 65, 1986.
- 24- Altena, Daniel Mark, Forecasting Volatile Gas Processing Margins, Masters of Science in Engineering, The University of Texas at Austin, 2005.
- 25- Bastida, Ana E., et al, Cross-border Unitization and Joint Development Agreements: An International Law Perspective, *HOUSTON JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW* , V29, 2007.
- 26- Gaitis, James M. Burritt McArthur, John, McGowan, Gary V, Soussan, Susan S, Oil & Gas Arbitration, College of Commercial Arbitrators, 2016.
- 27- Ghorbani, Elaheh, Goudarzi, Zahra, Engineering, Procurement, Construction and Financing Contract ,EPCF, in the Iranian Petroleum Legal System, Oil, Gas, Energy and Law, vol. 11, issue, 5. 2013.

28- Holland, Ben and Ashley, Phillip, Natural Gas Price Reviews: Past, Present and Future, 30(1) Journal of Energy & Natural Resources Law, 2012.

29- Macini, p. and E. Mesini, The Petroleum Upstream Industry: Hydrocarbons Exploration and Production, in “petroleum Engineering – Upstream, in Encyclopedia of life Support Systems, Eolss Publishers, Oxford, UK, 2011.

30- Mann, Howard, “Stabilization in Investment Contracts: Rethinking the Context, Reformulating the Result”, 1(2) ITN, 2011.

31- Monhait, Jeff, Baseball Arbitration: An ADR Success, Harvard Journal of Sports & Entertainment Law, v 4, 2013.

32- Norman J. Hyne, Nontechnical Guide to petroleum Geology, Exploration, Drilling and production, edition 2, penn Well Corporation, 2001.

33- Power, Richard, Gas price reopeners – is there a better way?, International Arbitration 1/3LY issue 7, Clyde & Co, United Kingdom, 2016.

34- Roberts ,Peter, Gas Sales and Gas Transportation Agreements: Principles and Practice, Sweet and Maxwell, London, 2004.

35- Sornarajah, M, The International Law on Foreign Investment, 2nd Edition, Cambridge University Press, 1999

36- Sustainability Accounting Standards Board, OIL & GAS – MIDSTREAM Sustainability Accounting Standard, 2014.

37- Taverne, Bernard, Petroleum, Industry and Governments an Introduction to Petroleum Regulation, Economics and Government Policies, Kluwer Law International, 1999.

38- Trimble Niall, An Introduction to Gas Sales Agreements, Oil and Gas Law and Taxation Review, Vol.10, Sweet & Maxwell, 1992, p. 331.